



۲۰۲۱/۰۹/۲۶



دوکتور میر عبدالرحیم عزیز

## با وجود خروج، ایالات متحده به جنگ با طالبان ادامه خواهد داد

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز نویسنده: Jonathan Cook

ایالات متحده همیشه بازنده بدی بوده است. نظر این است که آیا این کشور خود را یک قدرت امپراتوری، یک ابرقدرت نظامی یا به اصطلاح امروزی "پولیس جهان" می داند که باید دیگران تسلیم اراده اش شوند. همه اینها زمینه قضاوت اعتراض آمیز را در مراکز کشور های غربی بر سر خروج شتابزده اردوی امریکا در ماه گذشته از کابل، آخرین جایگاه آن در افغانستان، خلق کرده است.

ندا های زیادی در هر دو جانب اطلانتیک شنیده میشود که از این تخلیه ای بی نظم شاکمی اند و به سختی می توان در آنها- حتی پس از اشغال فاجعه بار و کاملاً بیهوده نظامی دو دهه افغانستان- آرزوی نوع تعامل مجدد را شنید. سیاستمداران خروج را "شکست" توصیف می کنند و از این حادثه به عنوان شواهدی مبنی بر اینکه امریکا یک قدرت رو به زوال است، ناله می کنند. عده دیگر هشدار می دهند که افغانستان به پناهگاه افراط گرایان اسلامی تبدیل خواهد شد که منجر به افزایش تروریسم جهانی میگردد. در خلال این، لیبرال ها نگران تجاوز مجدد به حقوق زنان در زمان طالبان اند یا می خواهند که به افغان های بیشتری کمک شود تا فرار نمایند.

مفهومش این است که قدرت های غربی باید کمی - یا شاید بسیار - بیشتر و طولانی تر در افغانستان دخالت نمایند. وضعیت کنونی به طور ضمنی هنوز هم میتواند برطرف شود یا حداقل میتوان طالبان را به عنوان اخطار مجازات کرد تا دیگران از آنها پیروی نکنند. همه اینها یک واقعیت را نادیده میگیرد که به اصطلاح "جنگ برای افغانستان" مدت ها قبل از دست رفته بود. "شکست" در میدان هوایی کابل اتفاق نه افتاد. پس از فرار اسامه بن لادن از دستگیری، نیرو های امریکائی هیچ دلیلی نداشتند، حتی دلیل ادعائی که در آنجا حضور داشته باشند.

در واقعیت، همانطوریکه متخصصان امور منطقه متذکر شده اند، امریکا خود را شکست داد. هنگامیکه القاعده از افغانستان فرار کرد و جنگجویان سرزنش شده طالبان بدون هیچ اشتیاقی برای رویارویی با نیرو های امریکائی به قریه جات خود بازگشتند، هر یک از فرماندهان جنگی یا رهبران قبیله از این لحظه استفاده کردند. آنها با دشمنان خود تصفیه حساب نموده و از طریق مخبری به امریکا رقبای خود را به عنوان "تروریست" یا طالبان معرفی نمودند.

فرماندهان امریکائی حفره های بزرگتری را در Pax Americana جدید خلق کردند، زیرا حملات طیارات بدون پیلوت آنها باعث کشته شدن دوست و دشمن شد. به زودی اکثر افغانهای خارج از نخبگان فاسد کابل دلیل موجهی برای تنفر از ایالات متحده داشتند و خواهان این شدند که امریکا برود. این پنتاگون بود که طالبان را از مرگ بازگرداند.

### چرخش فریبنده

اما صرف نخبگان افغان نبودند که فاسد گشتند. این کشور به گودال بی انتها تبدیل شد و کابل در مرکز آن قرار داشت. مالیات دهندگان امریکائی و انگلیسی پول های بی پایان را برای صنایع جنگی از مقامات دفاعی و تولیدکنندگان سلاح گرفته تا مزدوران و پیمانکاران خصوصی در آنجا ریختند.

این ۲۰ سال، یک لابی قوی و قدرتمند مربوط به افغانستان را در قلب واشنگتن ایجاد کرد که هر نوع انگیزه را برای تداوم روایت ساختگی "جنگ برنده" پرورش داد. این لابی فهمید که پرونی آنها بهتر است که یکبار دیگر به بهانه

روحیه بشر دوستانه فروخته شود: غرب دلسوز موظف بود که دموکراسی را به افغانستان برساند. این چرخش فریبکارانه که در حال حاضر توسط سیاستمداران با قوت قفله میشود، فقط برای منطقی کردن گذشته نیست. این آینده را به شیوه های فاجعه بارتر برای افغانستان رقم خواهد زد. با توجه به اینکه عساکر امریکائی دیگر رسماً روی زمین نیستند، فشارها برای جنگ با وسایل دیگر در حال افزایش است.

این نیابست یک معامله سختی باشد. گذشته از همه، این درس نادرستی بود که نخبگان سیاست خارجی واشنگتن پس از استقبال نیروهای امریکائی در عراق دریافتند، نه با برنج و گل، بلکه با بمب های کنار جاده. در جنگهای بعدی شرق میانه، در لیبی، سوریه و یمن، ایالات متحده ترجیح داده است که از راه دور یا از طریق نیابتی به صورت مخفیانه بجنگد. مزیت آن نه مردن عسکر امریکائی مطرح است و نه نظارت دموکراتیک. همه چیز در سایه اتفاق می افتد. در حال حاضر در پنتاگون، در مؤسسات مشورتی، در میان تولید کنندگان اسلحه و قراردادی های دفاعی و رسانه های ایالات متحده، سر و صدائی به راه افتاده است که دقیقاً همین کار را بایست اکنون در افغانستان انجام دهند. هیچ چیز نمی تواند مانند این احمقانه تر باشد.

## آستانه فروپاشی

واقعاً، ایالات متحده قبلاً علیه طالبان به جنگ آغاز کرده است. زیرا این گروه اکنون دولت موثر افغانستان است و کل کشور تحت حاکمیت طالبان قرار دارد. جنگ از طریق مؤسسات مالی جهانی در حال انجام شدن بوده و ممکن است به زودی به عنوان "رژیم تحریم" به صورت رسمی تغییر کند. ایالات متحده دقیقاً همین کار را با ویتنام برای مدت ۲۰ سال بعد از شکست خود در ۱۹۷۵ انجام داد. اخیراً واشنگتن از همان طرح برای کشور هائی استفاده کرده است که از زندگی کردن تحت اسارت امریکا امتناع می ورزند، از ایران تا ونزوئلا را میتوان نام برد.

واشنگتن حداقل ۹/۵ بیلیون دلار از دارائی های افغانستان را مسدود کرده است که یک نوع دزدی بحری بین المللی است. اهداکنندگان از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تا اتحادیه اروپا، برتانیه و ایالات متحده از اعطای کمک های مالی و توسعه خودداری می ورزند. اکثر بانک های افغانستان بسته شده و پول بسیار کمی باقی مانده است. افغانستان در حال حاضر در شرایط خشکسالی قرار دارد و کمبود مواد غذایی موجود در زمستان به احتمال زیاد به تشدید قحطی منجر میشود. هفته گذشته یک گزارش سازمان ملل متحد هشدار داد که بدون کمک مالی عاجل، ۹۷ درصد از افغان ها به زودی به سوی فقر سقوط خواهند کرد.

زمانیکه تعداد افغان های فقیر دو برابر شده و سوء تغذیه همه جانبه کودکان بیداد کرده است، همه اینها مشکلات افغانستان را تحت اشغال ایالات متحده تشدید نموده است. طبق گفته اشوک سوین، رئیس یونسکو در امور بین المللی آب، "بیش از یک سوم افغان ها غذا، نیمی آب آشامیدنی و دو سوم برق ندارند".

این یک اعلام جرم علیه سوء اداره نادرست ایالات متحده در دو دهه گذشته است، زمانیکه فهمیده شده است که حداقل بخشی از ۲ تریلیون دلار مصرف شده در افغانستان صرف پروژه "ملت سازی" واشنگتن شده است نه اسلحه و تفنگ. حال وضعیت وخیم افغانها میتواند به عنوان محل پرتاب برای ایالات متحده برای فلج کردن طالبان در تلاش بازسازی یک کشور مفلس مورد استفاده قرار گیرد. آرمان واقعی تحریم ها این خواهد بود که اقتصاد افغانستان را متلاشی سازد که به عنوان مثال برای دیگران جبروت، توانائی و کینه توزی امریکا را نشان بدهد، به امید اینکه مردم افغانستان بتوانند تا حدی گرسنه بمانند که علیه رهبران خود دست به قیام بزنند.

## شکاف های موجود را عمیق سازید

همانطوریکه در جا های دیگر معمول بوده است، همه اینها به آسانی میتواند در قالب شرایط بشر دوستانه تنظیم شود. در اواخر ماه گذشته، ایالات متحده با صدور قطعنامه ای از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستار سفر رایگان از طریق میدان هوائی کابل، تضمین حقوق بشر و اطمینان اینکه افغانستان به پناهگاه تروریسم مبدل نشود، گردید. هر یک از این خواسته ها میتواند بهانه ای برای تمدید تحریم ها علیه دولت افغانستان شود.

لاکن این خود تحریم ها هستند که باعث رنج و فلاکت انسانی خواهند شد. معلمان بدون حقوق به معنای نداشتن مدرسه برای کودکان، بخصوص دختران هستند. فقدان بودجه برای مراکز صحتی روستائی منجر به مرگ بیشتر زنان در هنگام زایمان و افزایش مرگ و میر در نوزادان میگردد. بانک های مسدود به نفع کسانی است که با خود اسلحه دارند -

مردان - به دلیل منابع محدود دیگران را ترور می کنند. انزوای طالبان با تحریم ها دو نتیجه ای کاملاً قابل پیش بینی خواهد داشت:

اول، این کشور را به آغوش چین می اندازد که در یک موقعیت مناسب برای کمک به افغانستان در ازای دسترسی به ثروت معدنی آن قرار دارد. بیجینگ قبل از این طرح هائی را برای تجارت با طالبان اعلام کرده است که شامل بازگشائی معدن مس عینک می شود. نظر به اینکه اداره رئیس جمهور جوبایدن در تجسم بخشیدن چین به عنوان تهدید جدید جهانی از حد معین فراتر رفته و تلاش می کند نفوذش را بر همسایگان محدود کند، هرگونه اتحاد بین طالبان و چین میتواند به راحتی زمینه های بیشتری برای تشدید تحریم های امریکا فراهم نماید.

دوم، تحریم ها شکاف های موجود در طالبان را عمیق تر می سازد، بین تندروهای شمال و شرق که مخالف تعامل با غرب اند و آنهایی که در جنوب مشتاق جلب جامعه بین المللی در جهت مشروعیت بخشیدن به حکومت طالبان هستند. در حال حاضر، طالبان صلح جو در حال صعود بوده و آماده کمک به ایالات متحده برای از بین بردن دشمنان داخلی مانند ISKP، شاخه داعش در افغانستان هستند. اما اگر واشنگتن به روش اصلی خود بازگردد، این حالت به سرعت تغییر می کند.

ترکیبی از تحریم ها، عملیات زشت مخفیانه و مداخله بیش از حد واشنگتن میتواند به سرعت تندروها را به قدرت برساند یا آنها را به اتحاد با جناح محلی داعش نزدیک سازد. این سناریو ممکن است قبلاً با حمله طیارات بدون سرنشین امریکا به کابل در اواخر آگست در تلافی حمله ISKP به میدان هوائی که ۱۳ عسکر امریکای را به قتل رسانید، تقویت شده باشد. شهادت جدید شاهدان نشان می دهد که در این حمله ۱۰ غیرنظامی افغان از جمله هفت کودک کشته شدند، نه تندروان اسلامی.

## بازی آشنا

اگر این حالت به اندازه کافی بد نبود، تندروان واشنگتن از طالبان به عنوان "سازمان تروریستی خارجی" و دولت جدید افغانستان به عنوان حامی تروریسم نام می بردند که این امر مشارکت دولت بایدن را غیر ممکن می سازد. با آنهم دیگران مانند لیندسی گراهام، سیاستمدار با نفوذ ایالات متحده، در تلاش اند تا فشار را با تقاضای برگشت نیروها افزایش دهند.

این که چگونه این طرز تفکر می تواند به اجماع واشنگتن تبدیل شود، توسط گزارشات رسانه های امریکائی از طرح های سی آی ای برای عملیات مخفی در داخل افغانستان نشأت میکند. گویا هیچ درس عبرتی نگرفته اند. به نظر می رسد که این سازمان امیدوار است که مخالفان طالبان را پرورش دهد، از جمله بار دیگر جنگ سالارانی را حمایت نماید که اعمال ضد قانون آنها طالبان را بیش از دو دهه قبل به قدرت رسانید. این بازی است که ایالات متحده و بریتانیه از آموزش و مسلح ساختن مجاهدین برای بیرون راندن قوای شوروی از افغانستان در دهه ۱۹۸۰ و سرنگونی چند سال بعد دولت کمونیستی افغانستان به خوبی می دانند.

بایدن انگیزه مضاعفی برای مداخله در افغانستان خواهد داشت تا از هرگونه حملاتی که ممکن است توسط مخالفان سیاسی وی مورد بهره برداری قرار گرفته و او را به علت بیرون کشیدن نیروهای امریکا سرزنش میکنند، جلوگیری نماید. به گزارش نیویورک تایمز، سی آی ای معتقد است که باید آماده "مقابله با تهدیدها" باشد که احتمالاً از "هرج و مرج" طالبان ناشی میشود.

اما اگر طالبان قوی باشند، افغانستان به مراتب کمتر آشفته خواهد شد، نه اگر - همانطوریکه پیشنهاد می شود - ایالات متحده با عملیات جاسوسی انسجام طالبان را در میان خود تضعیف کند، با انجام حملات طیارات بدون پیلوت از کشورهای همسایه سلطه طالبان را تخریب نماید و جنگ سالاران یا گروه های اسلامی رقیب را برای تحت فشار نگهداشتن طالبان استخدام کند.

ویلیام جی برنز، رئیس سی آی ای گفته است که این سازمان آماده است تا عملیاتی را "در افق" انجام دهد. نیویورک تایمز گزارش داده است که مقامات امریکائی پیش بینی می کنند "به احتمال زیاد مخالفان طالبان ظهور خواهند کرد که می خواهند به ایالات متحده کمک کرده و اطلاعاتی را در اختیار آنها قرار دهند". این ستراتیژی منجر به یک دولت ناکام میشود، کشوریکه تحت تحریم های امریکا قرار گرفته و میان جنگ سالاران بر سر منابع قلیل باقی مانده تقسیم شده است. این دقیقاً همان سرزمینی است که بدترین نوع افراط گرایی اسلامی در آن رونق می یابد.

بی ثبات ساختن افغانستان همان چیزی است که ایالات متحده را در مرحله اول وارد این بی نظمی کرد. به نظر می رسد واشنگتن آمادگی لازم را برای آغاز دوباره این جریان دارد.



برای مطالب دیگر دوکتور میر عبدالرحیم عزیز روی عکس کلیک کنید

